

غزل شماره ۳۳۳

نماز شامِ غریبانِ چو گریه آغازم

به مویه های غریبانه قصه پردازم

به یادِ یاد و دیدار آن چنان بگریم زار

که از جهان ره و رسم سفر براندازم

من از دیارِ حمیم نه از بلادِ غریب

مهمینا به رفیقانِ خود رسان بازم

خدای رادمدی ای رفیقِ ره تا من  
به کویِ میکده دیگر علم برافرازم

خرد ز پیری من کی حساب برگیرد؟  
که باز با صَنَمی طفل، عشق می بازم

بجز صبا و شمالم نمی شناسد کس  
عزیز من، که به جز باد نیست دمسازم

هوایِ مترل یار، آب زندگانی ماست  
صبایارِ نسیمی ز خاکِ شیرازم

سرشکم آمد و عییم بگفت روی به روی  
شکایت از که کنم؟ خانگیست عزام

ز چنگ زهره شنیدم که صبحدم می گفت  
غلام حافظ خوش لجه خوش آوازم

## تفسیر فال

با گریه و زاری کردن و احساس تنهایی، نمی‌توانی در کارها به پیشرفت قابل قبولی دست یابی. زندگی پر از چالش‌ها و مشکلات است که ممکن است انسان را در میانه راه دلسرد کند، اما باید به یاد داشته باشی که خداوند همیشه در کنار توست و حمایت‌های او را در این مسیر جستجو کنی. به جای ناامیدی، بر عقل و تجربه افراد پیر و حکیم اعتماد کن؛ زیرا آن‌ها با سال‌ها مشاهده و یادگیری، درس‌های ارزشمندی برای ما دارند. خودت نیز

باید با اراده‌ای قوی همت کنی تا هر چه زودتر به نیت خود دست یابی. این نکته را فراموش نکن که هر گاه برای دیگران خوبی کردی، ممکن است نتیجه‌ای نامطلوب دریافت کنی؛ اما این نباید تو را از ادامه راه بازدارد. توکل به خداوند کلید اصلی امیدواری است؛ چرا که او همیشه بهترین‌ها را برای بندگانش رقم می‌زند. صبح امید نزدیک است و روشنایی فردا نویدبخش روزهای بهتر خواهد بود. پس با عزم راسخ قدم بردار و منتظر بارش رحمت الهی باش.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)